

بازیگران فراملی در کردستان عراق و تاثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

نبی الله روحی^۱
احمدرضا رادان^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۶

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال اول / شماره یک - بهار ۱۳۹۵ * ۱۴۵-۱۲۵

چکیده

در حال حاضر مسئله کردها یکی از مسائل مهم سیاسی در منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود که ابعاد منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای گسترده‌ای پیدا کرده است و تحولات آن تاثیر زیادی بر مناطق کردنشین ترکیه، عراق، سوریه و جمهوری اسلامی ایران دارد. نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد، این است که دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش مهمی در تحولات این منطقه داشته است. این تحولات بویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت‌ها و تهدیداتی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است که ظهور دولت کردی در عراق و تشکیل اقلیم کردی در عراق نوین از نشانه‌های بارز این تحولات می‌باشد. ظهور دولت کردی به خاطر تاثیرات جدی بر نظم و نظام قدرت منطقه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس این تحقیق درصدد واکاوی استراتژی قدرت‌های خارجی با تاکید بر نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال تحولات مناطق کردنشین عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در پاسخ به این سوال این فرضیه را مطرح شد که هدف قدرت‌ها تامین منافع استراتژیک و رقابت و ایجاد موازنه با قدرت‌های منطقه‌ای و هدف از دخالت در مسئله کردها پیشبرد و تامین منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژیک خود در منطقه بوده است.

واژگان کلیدی: کردستان عراق، آمریکا، اسرائیل، محیط امنیتی، جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

در میان مسائل استراتژیک منطقه، مسئله کردها در طی نیم قرن اخیر چالش اساسی در پیش روی سیاست‌های کشورهای منطقه قرار داده است. گذشته از اینکه جهت‌گیری ناسیونالیستی محیط سیاسی بین‌الملل در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در رشد گرایش قومی در کردستان تاثیر بسیار داشت، بعد استراتژیک سیاست بین‌الملل از جمله عوامل بسیار موثری بود که منجر به شکل‌گیری و توسعه حرکت‌های قومی در میان کردهای منطقه شد. در واقع مسئله کردها بیش از سایر جنبش‌های قومی رنگ بین‌المللی به خود گرفت و درگیر شدن در مسئله کردها برای قدرت‌های خارجی منافع استراتژیک در بر داشت، به همین دلیل از آغاز، مسئله کردستان در فضای منافع قدرتهای خارجی تکامل یافت. کردها نیز در بسیاری از موارد از این مداخلات استقبال کردند و گاه نیز مشوق قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این زمینه بودند. در حال حاضر مسئله کردها یکی از مسائل مهم سیاسی در منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود که ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گسترده‌ای پیدا کرده است به‌طوری‌که تحولات آن تاثیر زیادی بر مناطق کردنشین ترکیه، عراق، سوریه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران دارد. نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد، این است که دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به عنوان عامل تعیین‌کننده نقش مهمی در تحولات این منطقه داشته است و در طول چند دهه گذشته دخالت‌های قدرت‌های خارجی در این مسئله کاملاً آشکار بوده است. انگلستان، روسیه و آمریکا به عنوان قدرت‌های تعیین‌کننده در کنار قدرت‌های منطقه‌ای، تاثیرات زیادی بر تحولات مناطق کردنشین داشته و این دخالت‌ها امروزه با توجه به تحولات کردستان عراق بیش از گذشته ادامه دارد. این تحولات به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت‌ها و تهدیداتی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است که بررسی آن را ضروری می‌نماید. بر این اساس این تحقیق درصدد واکاوی استراتژی قدرت‌های خارجی با تاکید بر نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال تحولات مناطق کردنشین عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

تلاش‌ها در مهندسی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

هر کشور در محیطی عمل می‌کند و در تعامل با آن محیط قرار دارد و تحت تاثیر ویژگی‌ها و تحولات آن قرار دارد و بر آن محیط تاثیر می‌گذارد. این محیط جنبه‌ها و جلوه‌های گوناگون مرتبط با یکدیگر دارد که یکی از این ابعاد، جلوه استراتژیک و امنیتی است. محیط امنیتی هر کشوری محدوده جغرافیایی است که فرصت‌ها و تهدیدهای آن کشور در آن تعریف می‌گردد و به شدت تحت تاثیر متغیرهای محیط داخلی و بین‌المللی است. جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، انباشت قدرت ملی، کیفیت و کمیت مردم و نوع رهبری و سایر عوامل قدرت در تعیین مرزها و چگونگی محیط امنیتی تاثیر مستقیم دارد. تحولات پیرامونی شامل تحولات منطقه‌ای و جهانی، که می‌تواند شامل تحولات مثبت و یا تحولات منفی باشد، قادر است محیط امنیتی دولت‌ها را دگرگون کرده و بر این اساس در کنار تهدیدات، فرصتهایی را فراهم آورد. این تحولات تاثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای در محیط امنیتی دولت‌ها و نحوه تعامل بازیگران با آن برجای گذاشته است. مقابله با این تهدیدات و همچنین بهره‌مندی از این فرصت‌های استثنایی به شناختی صحیح از محیط امنیتی نیاز دارد. استراتژی امنیت ملی دولتها بر اساس تصویری ترسیم می‌شود که در هر دوره از محیط امنیتی، نزد دولتمردان آن وجود دارد و واکنشی به تهدیدات برخاسته از محیط امنیتی است که بسته به اهداف، منافع، ارزشهای اساسی و میزان قدرت آن، متفاوت خواهد بود. با وجود آنکه محیط امنیتی دارای پایداری خاصی است که از آنارشیک بودن آن به تعبیر نورثالیست‌ها برمی‌خیزد، اما معمولا عواملی نظیر ایده‌ها، هنجارها و نهادها در سطوح داخلی و خارجی موجب می‌شوند تا تصویری منعطف‌تر از این محیط مطرح شده و شرایط برای تعامل و همکاری فراهم شود. از این رو محیط امنیتی در مقاطع مختلف می‌تواند تصاویر متفاوتی را ارائه کرده و استراتژی دولتها نیز بر اساس این وضعیت دچار تحول شود. بنابراین، درک و شناخت محیط امنیتی از اهمیت کلیدی در پیشبرد روابط خارجی هر کشوری برشمرده می‌شود.

استراتژی‌هایی که توسط دولت‌ها برای هدایت کنش‌هایشان در عرصه بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان دریافت که کنش آنها در این عرصه نشان‌دهنده یک سلسله اهداف است که کشورها جهت نیل به آنها از ابزارهایی استفاده می‌کنند با توجه به اینکه این کشورها در خلا عمل نمی‌کنند، در نتیجه باید محیطی را که در آن قرار دارند نیز مورد توجه قرار داد. بدین ترتیب در کنش‌های بین‌المللی باید سه موضوع مهم شامل اهداف،

ابزارها و سیستم‌ها (محیط داخلی، منطقه ای و جهانی) توجه داشت. در مورد جمهوری اسلامی ایران و محیط منطقه ای آن نیز مساله اهمیت یافتن عناصر منطقه ای از اهمیت بیشتری برخوردار است. عوامل و اولویتهای منطقه ای به صورت روزافزونی قدرت خود را به نمایش می‌گذارند و این مساله باعث شده که ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای حتی قدرت بازیگری و تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد. محیط امنیتی هر کشور با توجه به این عناصر و ویژگیها بر تمام ابعاد رفتار، نقش و سیاست خارجی هر کشور اثری تعیین کننده دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران همچنین دارای پیچیدگی‌ها و تنوع بسیار بیشتری نیز می‌باشد. از لحاظ جغرافیایی محیط امنیتی ایران مشتمل بر چندین محیط جغرافیایی است: پنج سیستم منطقه ای مجاور (حوزه خلیج فارس، غرب ایران، آسیای مرکزی، قفقاز، و شرق ایران) و همچنین سیستمهای غیرمجاور. تحولات در هر یک از این مناطق تاثیری مستقیم بر ایران خواهد داشت و فرصتها و تهدیدات ایران در آن مناطق قرار دارد و تعریف می‌شود. نکته مهم در مناطق جغرافیایی موجود در محیط امنیتی ایران آنست که شکل‌گیری نهایی ساختار قدرت در این مناطق در حال انجام است و این مناطق و همچنین سیستم بین‌المللی همه در حال گذار و شکل‌گیری می‌باشند. این عامل باعث می‌گردد که همه بازیگران دریافته‌اند که امنیت، حیات و نقش آنها در این سیستم در حال شکل‌گیری، به فعالیتهای آنها بستگی دارد و این مساله باعث افزودن بر پیچیدگی‌های این منطقه و فشار کشورها می‌شود.

از لحاظ بازیگران اصلی در محیط امنیتی ایران، علاوه بر ۱۵ کشور همسایه، همه قدرتهای بزرگ بویژه امریکا نیز به نوعی خواهان داشتن نقش تعیین کننده در این محیط هستند و در حال ایفای نقش هستند. در شکل دهی به تهدیدات و فرصتهای ایران در این محیط دو مولفه اساسی پیوسته با یکدیگر نقش ایفا می‌کنند که هر دو سرشتی هویتی دارند. مهمترین مولفه تعیین کننده تهدیدات ایران مساله تضاد هویتی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و همچنین امریکا است که در پیوند با یکدیگر عمل می‌کنند. هر چند در هر دو عرصه تهدید و فرصت برای ایران عوامل متعدد دیگری نیز لازم به ذکر است. در عرصه شکل‌گیری تهدیدات باید به عواملی چون حضور رقبای بسیار قدرتمندی چون عربستان، ترکیه و پاکستان اشاره کرد که در مواردی رقابت دائمی برخی از آنها از حد متعارف بسیار بالاتر می‌رود. وجود کشورهای ورشکسته و ضعیف، تداوم اقلیتها در

کشورهای دیگر، افراط گرایی و تروریسم تکفیری، نقش فزاینده بازیگران غیر دولتی، مواد مخدرو... همگی تهدیداتی را برای ایران و کل منطقه ایجاد می کنند که پیچیدگی و تلون منطقه را افزایش می دهد.

اقلیم کردستان عراق و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

محیط پیرامونی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به دلیل واقع شدن در سیر تحولات و حوادث سه دهه اخیر و تحولات تاریخی آن، محل رشد و تحرک عوامل مؤثر در محیط امنیتی منطقه ای و تاثیر گذار در حوزه روابط فرا منطقه ای قرار دارد. اقلیم کردستان عراق، تحولات دوران قبل و بعد سقوط صدام توانست در یک فرآیند واقع شدن در معادله بازی قدرتهای بزرگ، هوشمندانه در موقعیت نسبی مؤثر به منطقه ای جذاب با مختصات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ضمن تعامل دینامیک با مرکزیت تبدیل شود. بدین منظور، مسئولان اقلیم جهت تحکیم و تقویت مناسبات خود از هر قاعده و سبک و مدل ورود به بازی و رعایت قواعد آن استقبال می کنند. قاعده و سبک و مدل ورود به بازی و رعایت قواعد آن استقبال جدی اند. کردهای عراق همواره به دنبال تشکیل حکومت مستقل کردی بوده اند. توجیه آنها برای تشکیل یک دولت مستقل کردی قرار داد ۱۹۲۰ «سور» بین قدرت های متحد پیروز و حکومت عثمانی است که در آن «خودمختاری موقتی برای ناحیه کردنشین شرقی و جنوب شرقی آناتولی با فرض استقلال در نظر گرفته شده است.» زمانی که این عهد نامه، صلح بین عثمانی و متفقین را برقرار کرد، ناسیونالیست های کرد با حمایت انگلستان توانستند «وعده اسقلال» را در قالب عباراتی در آن بگنجانند. در واقع، در معاهده سور یک سند دیپلماتیک خودمختاری ملی مطرح هست.

رهبری جنبش کردی از زمان آغاز تاکنون چندین بار از کشوری به کشور دیگری منتقل شده است. در زمان قاضی محمد این جنبش در ایران بوده، در زمان ملا مصطفی بازرانی به کشور عراق و یک بار در ترکیه و مجدداً به ایران و سر انجام به عراق منتقل شده است. در حال حاضر این جنبش ضمن حصول دستاوردهای جدی، مسیری رو به پیشرفت و جلو دارد. قبل از سقوط صدام ساکنان عراق به ویژه اکراد و آمریکایی ها به این جمع بندی رسیده بودند که در عراق به دنبال یک دولت مرکزی مقتدر نباشند. کردها به دلیل سابقه تشکیلاتی حداقل ۵۰ ساله و خواسته های مشخص و فرموله شده، موفق به دستیابی به

خیلی از این دستاوردها شدند. کردها از سال (۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳) در کردستان حاکم بودند. و دو دولت جداگانه داشتند. پس از سقوط صدام این دو دولت با توافق یکدیگر و تقسیم کار به یکپارچگی رسیدند. همچنین کردها در کوران تحولات پس از سقوط صدام و چالش جدی و عمیق ایران و آمریکا در عراق به دلیل پیوند دیرینه با انگلیسی ها و آمریکایی توانستند پست های حساس مانند ریاست جمهوری، وزارت امور خارجه، دستگاه های امنیتی، دفاعی و نظامی را تصاحب کنند.

مسئولیت های کلیدی از جمله وزارت امور خارجه عراق، کردها را در پیش بینی، پیشگیری و بهره برداری از تحولات استراتژیک عراق و دولت های بازیگر فرا منطقه ای آنها در مقابل حفاظت از دستاوردهای جنبش کردی مصون می سازد. افزون بر آن، جنبش کردی توانست دستاوردهای تاریخی خود را با به رسمیت شناخته شدن دولت فدرالی در قانون اساسی عراق تکمیل کنند. در واقع دولتی در دولت که ساختار و مقدماتش به لحاظ سابقه تاریخی عمرش از دولت مرکزی فعلی استوار و محکم تر است. مسئولان کردی به خارج مسافرت می کنند و دولت های دیگر با آنها به مثابه مسئولان یک دولت و کشور مستقل رفتار می کنند جمهوری اسلامی نیز در مناسبات خود با اقلیم رفتاری مشابه دارد.

توسعه قلمرو حکومت اقلیم در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حتی تقنینی وسعت دارد و قانون اساسی و قوانین موضوعه تابع آن مشمول تفسیر قانون و اندیشه دولت اقلیم کردستان است. در واقع، دولت اقلیم کردستان عراق توانسته است بازیگران محیط منطقه ای و فرا منطقه ای را در معادله خود، درگیر سازد. زیرا روابط این اقلیم و مسئولان آن در معادله و صفحه شطرنج عراق (سنی - شیعی، کردی - شیعی، کردی ترکیه، کردی آمریکایی، کردی اروپایی، ایرانی عراقی، ایرانی عربستانی، ایرانی سوریه، ایرانی ترکی، ایرانی آمریکایی و ایرانی اسرائیلی) بسیار موثر و جدی است. دولت کردی به عنوان یک دولت مستقل با هویت و سرزمین هویتی در سازه امنیت عراق و تولید و صادرات معکوس آن دخیل و جدی است. زیرا امنیت اقلیم کرد برای هدف مهمتری می بایست برقرار شود.

در مثلث ساخت سیاسی عراق، (اکراد - اهل سنت - تشیع) ضلع آرام، بی دغدغه و مرموز و با هوش آن کردی است که با فراغ بال می تواند از درگیریهای متن و مرکز در حاشیه اقلیم کردی، دنبال دستیابی به اهداف مرحله ای و بلند مدت خود مشغول باشد. با توجه به موقعیت اقلیم کردی در پازل و جغرافیای محیط زیست سیاسی، امنیتی منطقه از یک سو،

و اندیشه و محتوای فرهنگی قومی حاکم بر این اقلیم از سوی دیگر، هوشمندی استراتژیک و توجه مبادی ذی ربط را می‌طلبد. در حال حاضر عمق چالش فیما بین جمهوری اسلامی و آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی و ورود این رژیم در نبرد نامتقارن اطلاعاتی ایران (حوادث ترور دانشمندان هسته ای، ترور حاج رضوان و المبوح و...) و عینیت یافتن تشکیل سیستم فدرالی در عراق، ضرورت پرداختن به این موضوع و اشراف اطلاعاتی کشورمان و اتخاذ راهبرد و سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق و سنجیده در برخورد با مسائل کنونی و پیش‌بینی تحولات آینده و ایجاد نقش در آنها ضروری می‌نماید.

با توجه به تشکیل دولت فدرالی در عراق و وجود قومیت‌های مختلف در کشورهای همسایه عراق، ضرورت پرداختن به این موضوع و اشراف بر تحولات شمال عراق و اتخاذ راهبرد، سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق و سنجیده در برخورد با مسائل کنونی و پیش‌بینی تحولات آینده و ایجاد نقش در آنها به دلیل پیامدهای تاثیرات مستقیم و غیر مستقیمی که بر جمهوری اسلامی ایران از جهات نظری و عملی خواهند داشت پرداختن دقیق به این قبیل موضوعات ضروری می‌نماید. به ویژه تهدیدها و فرصت‌هایی که برای جمهوری اسلامی ایران در این موضوعات ایجاد شده است شناسایی و واکاوی و کنکاش آنها یکی از اهم مسائل امنیت ملی کشور است. بروز هرگونه تحول در کشورهای همسایه بر مسائل محیط ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر جدی دارد و به همین دلیل می‌بایست تغییرات و تحولات (به ویژه تحولات قومی) در کشورهای همجوار را دقیقاً رصد و تجزیه و تحلیل شوند. یکی از تحولات مهم در این جهت، تشکیل اقلیم کردی و تقویت این جریان در ابعاد مختلف منطقه ای و فرامنطقه ای در کشور عراق است.

آمریکا و کردستان عراق

یکی از پیامدهای مهم تجاوز نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، ایجاد زمینه ای مناسب برای اقوام و گروه‌های مختلف در این کشور بود تا از این فرصت استفاده کرده و هر کدام به نوعی خواست‌های تاریخی و سیاسی خود را مطرح نمایند. یکی از مهم‌ترین آنها، کردهای عراق هستند که از این فرصت به نفع خود استفاده کرده و با تأسیس یک حکومت منطقه ای در مناطق مذکور، تحولات جدیدی را موجب شده‌اند.

اولویت اصلی کردها ی عراق پس از تهاجم ایالات متحده به عراق، تأمین و تحکیم وضعیت شبه برای خودشان بوده است. در مقابل، سیاست امریکا در ابتدا بیشترین تأکید را روی تضمین حاکمیت عراق و حضور یک دولت قدرتمند مرکزی قرار می دهد. این وضعیت، به طور بالقوه دو طرف را در موضعی متناقض قرار می داد. فاز اول سیاست ایالات متحده در عراق دارای یک چشم انداز مثبت برای این کشور بود. تقریباً تمام طرح های ایالات متحده برای آن دوره براساس این اعتقاد شکل گرفته بود که وحدت عراق تنها با مرگ دیکتاتور تحقق می یابد. با این وصف، وضعیت نیمه خودمختاری کردستان و آرزوی تاریخی کردها برای استقلال، به عنوان موانعی تلقی می شدند که باید برای رفع آنها چاره ای اندیشید. متعاقب این امر، امریکا درصدد برآمد تا ضمن پایان دادن به این وضعیت نیمه دولتی، پیوستگی کامل مناطق شمالی با عراق جدید را تضمین نماید (قربانی شیخ نشین و قدیمی، ۱۳۹۱).

قبل از آغاز تهاجم، امریکا علاقه و تمایل چندانی به تحریک و تشویق هیچ نوع فدرالیسم نداشت. علاوه بر این، برای نمایش حمایت امریکا از یک عراق متحد و نیز جلب همکاری و حمایت ترکیه، تا سه هفته قبل از آغاز حمله، کردها وارد ائتلاف نشدند. اگر چه در آستانه تهاجم برای سرنگونی صدام حسین و پس از آن مواضع امریکایی ها در خصوص خواسته های کردها دچار تغییر و تحول شد، ولی مبنای عملکرد امریکا منافع ملی خود بوده است. (حق پناه، ۱۳۸۷)

لیکن، نکته مهم این بود که نیاز شدید امریکایی ها به حمایت کردها، جلوی هر نوع استراتژی یا تصمیمی برای اعمال فشار بر کردها را می گرفت: نگرانی در مورد رشد فزاینده قدرت و نفوذ احزاب شیعه، امریکا را به جستجوی یک نیروی متقابل هم وزن در ساختار فدرالیستی آینده عراق مجبور کرد.

تغییرات دائمی در سیاست های ایالات متحده در واقع منعکس کننده طبیعت پیچیده و متغیر مخالفت ها با امریکا در عراق بود. بدین ترتیب، مرحله اول سیاست و استراتژی امریکا در تلاش برای تحمیل یک عراق سکولار بر شیعیان و یک دولت قدرتمند بر کردها، منافع این کشور را به مخاطره انداخت. در مقابل، بسیاری از کردها یک دولت مستقل کردی را به هر چیز دیگری ترجیح می دادند، مخصوصاً اگر موقعیت آنها در آینده عراق، سخت و تاریک به نظر برسد. بدین ترتیب، امریکا مجبور بود ضمن جلب پشتیبانی کردها و شیعیان از

یک عراق متحد، به استفاده از تلاش های آنها برای کمک به نیروهای ائتلاف نیز ادامه دهد. شکست سیاست امریکا با توجه به نتایج انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۴، و میانه روی نسبی کردها، نقطه عطفی را در روابط امریکا و کردهای عراق ایجاد نمود. نگرانی عمده امریکا از جهت شکست نامزدهای اهل تسنن و شیعه سکولار در انتخابات بود و اینچنین آرزوهای امریکا برای یک عراق سکولار و متحد، تحت کنترل یک دولت ملی مرکزی، به واقعیت نپیوست. در مقابل، موازنه جدید به ایجاد مجموعه ای از شرایط مناسب برای عدم تمرکز بیشتر، به نفع کردها منجر شد؛ این موضوع به شکلی کاملاً آشکار در قانون اساسی دائمی عراق منعکس شد. علاوه بر این، از هنگامی که کردها دومین بلوک بزرگ پارلمان و نیز بزرگ ترین گروه سکولار را تشکیل دادند، علاقه و توجه امریکا به کردها به شکل بی سابقه ای افزایش یافت. کردها از این پس به موضوعی مهم و ضروری برای آمریکایی ها تبدیل شدند. آنها به تدریج در دفاع از برقراری سکولاریسم در عراق جانشین میانه رویهای شکست خورده ای چون "ایاد علاوی" شده، و به عاملی در جهت ایجاد موازنه میان شیعیان و سنی ها تبدیل گشته، و به عنوان یک داور میان آنها عمل کرده و رفع اختلافات مابین آنها را تشویق نمودند.

این مجموعه تحولات گویای آن است که عنصر حمایت از کردها در سیاست امریکا غیر قابل اجتناب نبود، اما بیشتر به دلیل شکست ها و ناامیدی های آمریکایی ها از دیگر نیروها و بازیگران بود که آمریکایی ها به این سمت گرایش پیدا کردند. راهبرد شیعه نیز، به نتیجه مشابهی منجر گشت. رقابت شیعیان با سنی ها، افزایش دامنه نفوذ فزاینده جمهوری اسلامی ایران و تضعیف سکولاریسم و نگرانی از همگرایی کردها با ایران، جملگی کردها را به متحدانی مهم برای ایالات متحده تبدیل نمود. (رفعت، همان) علاوه بر این، برخی احزاب متنفذ شیعه خواستار یک منطقه ویژه شیعیان، شامل ۹ استان در جنوب عراق، شدند. این ایستار، تصور ایجاد چیزی شبیه به مورد شمال را تقویت کرد. شیعیان همچنین خواستار مبادله یک عراق نسبتاً سکولاریست تر در مقابل حمایت کردها شدند؛ معامله ای که منافع کردها و ایالات متحده را به شکل بی سابقه ای در راستای هم قرار داد و دلیل دیگری را برای اعتراف به ارزش اهرم کردها در داخل عراق جدید در اختیار واشنگتن گذاشت. استراتژی امریکا در عرصه کردستان میان حمایت قوی از خواسته ها و مطالبات کردها و حکومت مرکزی قوی در نوسان است (قربانی شیخ نشین و قدیمی، همان، ۷۳) و می توان گفت

استراتژی آمریکا عمدتاً عبارت بود از تلاش برای استفاده از کارت کردها به منظور غلبه بر مشکلات ایجاد شده با شیعیان یا مسائل ناشی از منازعه میان سنی ها و شیعیان از سوی دیگر روند شناسی تحولات منطقه ای گویای آن است که سیاست جمهوری اسلامی ایران در برابر حکومت اقلیم کردستان عبارت بود از :

- مخالفت با تجزیه شمال عراق؛

- تعامل با حکومت اقلیم برای تقویت نیروهای معارض حکومت بعث؛

- حفظ روابط برای پاسخگو کردن کردهای عراق در قبال امنیت منطقه و مسائل مرتبط با امنیت مرزها و فعالیت گروههای ضدانقلاب؛

- ممانعت از تبدیل شدن شمال عراق به جبهه جدید علیه ایران و تبدیل منطقه به عرصه نفوذ و فعالیت بازیگران رقیب ایران بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی (حق پناه، ۱۳۸۷).

اختلافات موجود میان کردها و آمریکا، از برخورد منافع هر یک از آنها در منطقه نیز ناشی می شود. از یک طرف، دولت منطقه ای کردستان یک سیاست حفظ موازنه در روابط خود با ایران و آمریکا را دنبال می کند. از طرف دیگر، آمریکا نیز علاوه بر ملاحظه منافع کشورهای متحد غرب، راهبرد حفظ روابط گرم و نزدیک با متحد ناتوی خود یعنی ترکیه را پی می گیرد. لیکن، از هنگامی که تنش ها میان ایران و آمریکا بالا گرفته، ترکیه نیز به اتخاذ موضعی به شدت خصمانه در قبال کردها اقدام نمود، که این امر یک مانع جدی بر سر راه تحکیم روابط آمریکا با کردها به حساب می آید. اقدام دیگری که در دستور کار ایالات متحده قرار گرفت و مانع از تحکیم روابط آنها با کردها شد، مخالفت با تشکیل دولت مستقل کردی و سیاست تمرکزگرایی مجدد واشنگتن بود (خسروی، ۱۳۹۰).

با پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری، آمریکا سیاست خارجی خود را در برابر عراق مورد بازبینی قرار داد. این امر به معنی تغییر اهداف اساسی آمریکا در عراق نبود. در رویکرد دولت اوباما به عراق، اهداف اساسی آن تغییر نکرده است. حفظ موقعیت آمریکا در منطقه حساس غرب آسیا و جهان، حفظ تداوم جریان صدور نفت از خلیج فارس به کشورهای غربی و حمایت از امنیت رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه ای آن همچنان نقش تعیین کننده در سیاست خارجی آمریکا دارند. در عین حال، در سیاست آمریکا در دوران اوباما در منطقه رویکرد، شیوه ها و اولویت آن از یک جانبه گرایی و قدرت نظامی به سوی بهره گیری از قدرت نرم و چند جانبه گرایی متحول شده تا نحوه تامین اهداف آمریکا

در عراق به چهره آن در جهان و نفرت از امریکا را تشدید نکند(خسروی ، همان). ایرادی که اواما در طول مبارزات انتخاباتی به دولت بوش وارد می کرد، پیامدهای زیان بار سیاست یک جانبه گرایانه بوش در جهان و ایجاد نفرت عمومی از این کشور در میان ملت های دیگر جهان بود . وی بر این عقیده بود که امریکا به شدت نیازمند بازسازی و بازبایی اعتماد دوباره خود در جهان است . در عمل امریکا با ارائه طرحی برنامه عقب نشینی نیروهای امریکایی از عراق را اعلام کرد.(خسروی، همان، ۱۸۴) خروج نیروهای امریکا از عراق به معنای پایان حضور امریکا در عراق نیست . خروج آنها به معنای مرحله جدیدی در مناسبات دو کشور و به تبع آن مرحله جدیدی از روابط امریکا و کردهای عراق است . در طول تاریخ روابط امریکا و کردها ، سیاستهای حمایتی امریکا در قبال کردها ناپایدار بوده و آنها به عنوان ابزاری برای سیاست خارجی امریکا نگریسته شده اند (دوهارست ، ۱۳۸۷ ، ۷). بر این اساس امریکا از کردها به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ در عراق استفاده کرده تا عراق به کشور متحد امریکا تبدیل شود. این اتحاد متاثر از بازیگران و نیروهایی است که در عراق روی کار می آیند و وضعیتی که بر مناسبات ایران و امریکا حاکم است، شکل خواهد گرفت. به هر میزان نیروهای ملی گرای ، سکولار و یا سنی مذهب در عراق قدرت و نفوذ بیشتری در حکومت داشته باشند، روابط بغداد با امریکا قوی تر و ضد ایرانی تر خواهد بود. و در مقابل به هر میزان که نیروهای شیعی در عراق قدرت و نفوذ بیشتری داشته باشند، مناسبات آنها با ایران بهتر و سیاست شان مستقل تر خواهد بود. بر این اساس در دوران اواما نیز استراتژی آمریکا عبارت است از تلاش برای استفاده از کارت کردها به منظور غلبه بر مشکلات موجود با شیعیان طرفدار ایران و مسائل ناشی از منازعه میان سنی ها و شیعیان و رقابت با نفوذ فزاینده جمهوری اسلامی ایران در عراق و منطقه . این سیاست تا زمانی که بر موقعیت و منافع استراتژیک امریکا در عراق لطمه نزنه، ادامه خواهد یافت. آمریکا با این استراتژی،هدف عمده زیر را در کردستان عراق تعقیب می کند :

۱. ایجاد توازن میان اقلیت اعراب سنی و اکثریت شیعیان عراق با هدف افزایش مشارکت اعراب اهل تسنن در فرایند سیاسی عراق ، همان استراتژی که انگلستان در دهه ۲۰ برای به قدرت رساندن اعراب سنی در مقابل اکثریت شیعیان عراق بکار گرفت و اقلیت سنی را برای بیش از ۸۰ سال بر عراق حاکم کرد.

۲. روی کار آوردن دولتی سکولار و متحد غرب و برقراری ثبات و امنیت در عراق از طریق برقراری موازنه میان بازیگران داخلی عراق؛
۳. نفوذ در بین کردهای عراق و ایجاد اختلال در روابط کردها و جمهوری اسلامی ایران . عراق که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند ، موجب شکل گیری و به قدرت رسیدن شیعیان طرفدار ایران در عراق شود که منافع آمریکا در منطقه را به طور جدی مورد تهدید قرار می دهد؛
۴. رقابت با نفوذ فزاینده جمهوری اسلامی ایران در عراق ، و
۵. بهره گیری از کارت کردی در رقابت با ایران و کنترل آن از طریق حمایت از مخالفان ایران . (روحی، ۱۳۸۷).

اسرائیل و کردستان عراق

به دنبال شکست رژیم بعث عراق در جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، و ایجاد منطقه امن در شمال مدار ۳۶ درجه و معاهدات امنیتی- نظامی و اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل، زمینه مناسبی را برای آغاز دور جدیدی از روابط رژیم اسرائیل و کردهای عراق و حضور سرویس های اطلاعاتی آن رژیم در شمال کشور عراق را فراهم آورد. روابط دیرینه سرویس های اطلاعاتی رژیم اسرائیل با کردهای عراق و موقعیت شمال عراق و همسایگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دشمن آشتی ناپذیر اسرائیل، بررسی حضور عوامل اسرائیل در کردستان عراق را ضروری می سازد.

جامعه عراق، یک ملت به شدت تقسیم شده و چندپاره با یک میراث مملو از منازعات است که در میان ستیزه های جناحی و فرقه ای، سرکوبی های نظام مند، از خود بیگانگی اجتماعی، و تعصبات نژادی و مذهبی گیر افتاده است. اکنون دولت عراق، یک دولت تشکیل شده پس از یک دوره طولانی اقتدارگرایی است که در زمینه دموکراسی انتخابی هیچ تجربه ای ندارد. مشکلات کنونی عراق پیامد مستقیم تأثیرات و حاصل جمع سالها درگیری های داخلی است. یک عنصر مهم دخیل در اختلافات داخلی عراق، ناسیونالیسم قومی است. در طول چندین دهه، ناسیونالیسم قومی کردی در شکل جنبش های جدایی طلب و خواستار حقوق قومی بیان شده، اما همین مسئله آنها را به درون یک منازعه جدی تر با ناسیونالیسم

پان عربیستی سنی وارد نموده است. عنصر کلیدی دیگر در منازعات داخلی عراق، برخورد هویت‌ها است؛ بطوریکه بسیاری از عراقی‌ها «هویت‌های محلی خود را نخستین و اصلی‌ترین اصطلاح موجود می‌دانند.» برای مثال، نوعی فقدان (و یا کمبود) احساس تعلق به عراق و ضعف یک حس هویت ملی عراقی در میان کردها وجود دارد. در عوض یک شکل از نوعی هویت «کردستانی» در حال ظهور است. به بیان دیگر، جامعه عراق اکنون تحت سیطره گروه‌ها و اقوامی است که ظاهراً عقاید مخالف با هویت خود را بر نمی‌تابند. هویت کردی با یک هویت ملی و فراگیر عراقی ناسازگار به نظر می‌رسد و با پان عربیسم با ایده آل‌های ملی‌گرایانه عراقی در تعارض است. بواسطه عمق احساساتی که این تعارض و برخورد هویت‌ها را پی‌ریزی می‌کند، بطوریکه برخی عراق را به عنوان یک «دولت غیرملی» طبقه‌بندی می‌نماید. بطوریکه الگوهای هویتی و مقایسه‌ای در یک دولت غیرملی، الگوهای منازعه سیاسی متفاوتی از الگوهای مشابه در دولت‌های ملی را ایجاد می‌کنند.» در واقع «شکست تلاش‌ها برای ساختن یک هویت ملی عراقی که تمام شهروندان این کشور را دربرگیرد، یک عامل مهم و کلیدی در درک فرهنگ نهادینه شده خشونت، ناتوانی برای آغاز اصلاحات سیاسی، و سرایت این ناامنی‌ها به کشورهای همسایه به شمار می‌رود.

کردها که در زمان صدام در ساختار سیاسی عراق مشارکت چندانی نداشتند، اکنون به نیرویی عمده تبدیل شده‌اند؛ به گونه‌ای که بدون در نظر گرفتن ملاحظات و منافع آنها پیشبرد روند سیاسی عراق بسیار دشوار به نظر می‌رسد. کردها در دوره پس از صدام با انسجام و هماهنگی بالا در عرصه سیاست عراق عمل کرده‌اند و می‌توان گفت بیشترین منفعت از روند سیاسی عراق را نصیب خود کرده‌اند. گروه‌های کرد در این مدت دو هدف اصلی را دنبال کرده‌اند: به حداکثر رساندن قدرت و نقش خود در دولت مرکزی عراق در بغداد و دیگری کسب حداکثر خودمختاری و آزادی عمل در شمال عراق بوده است. تصویب فدرالیسم کردی با سطح بالایی از خودمختاری و استقلال در قالب قانون اساسی و عملی ساختن بخش عمده‌ای از آن، اصلی‌ترین دستاورد گروه‌های کرد عراق محسوب می‌شود. اکنون کردها در شمال عراق دارای پارلمان، دولت و نیروهای امنیتی کردی هستند و در جهت کسب امتیازات بیشتر در این حوزه فعالیت می‌کنند.

برخلاف دیگر اقوام موجود در عراق که از حمایت نسبی کشورهای منطقه برخوردارند، کردها فاقد حمایت منطقه‌ای قدرتمندی هستند. این مسئله گروه‌های کرد را به سوی

همکاری و کسب حمایت هرچه بیشتر از سوی امریکا و برخی از کشورهای فرامنطقه ای سوق داده است. رویکرد کردها نسبت به سایر بازیگران خارجی دخیل در مسائل عراق نیز کماکان در جهت نوع نگاه و عملکرد این بازیگران در قبال اهداف و آرمان‌های مورد نظر کردها است. نگاه کردها به کشورهای عربی منطقه با توجه به حمایت آنها از عملکرد صدام در خصوص سرکوب کردها و همچنین تأکید بر هویت عربی عراق، با سوء ظن و حتی نوعی خصومت توأم است. ترکیه نیز از نظر گروه‌های کرد به‌عنوان اصلی‌ترین مانع آرمان‌های تاریخی و خودمختاری کردها در منطقه تلقی می‌شود، اگر چه دولت ترکیه تلاش بسیاری دارد رابطه نزدیکی با دولت اقلیم کردستان برقرار کند.

روابط اسرائیل با کردهای عراق برخلاف هدفهای اعلام شده، آمیخته با تناقضاتی است؛ بطوری که اسرائیل بر خلاف سیاست خود در قبال کردهای عراق، سیاست متفاوتی در قبال کردهای مخالف ترکیه دارد. براین اساس سیاست رژیم صهیونیستی در قبال کردها برپایه منافع استراتژیک این رژیم بوده و نه برپایه به اصطلاح دفاع از حقوق اقلیت‌ها. روابط رژیم صهیونیستی با کردهای عراق در طی سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ بسیار نزدیک شد و هیئت‌های مختلف اسرائیلی به صورت پنهانی از کردستان عراق دیدار کردند. این روابط تا اواسط دهه ۷۰ یعنی تا قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر برقرار بود. سیاست اسرائیل در اواسط دهه ۷۰ با تغییر جهت دولت عراق و بهبود روابط عراق با همسایگان محافظه کار عرب و عدم مخالفت با سازش مصر و رژیم صهیونیستی، دچار تحول شد. این تحول، فروپاشی نهضت کردها را در عراق به دنبال داشت و تجربه ای بسیار تلخ برای کردهای عراق بود که طی آن نهضت کردهای عراق قربانی منافع و مصالح رژیم صهیونیستی شد. در این مقطع اسرائیل از کارت کردی به عنوان سرمایه ای مهم در تقویت منافع استراتژیک خود بهره گرفت و توانست عراق را از مداخله در طرح صلح اعراب و اسرائیل (کمپ دیوید) دور نگهدارد (روحی، ۱۳۸۵)..

به دنبال شکست رژیم عراق در جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و ایجاد منطقه امن در شمال مدار ۳۶ درجه و معاهدات امنیتی-نظامی ترکیه و اسرائیل، زمینه را برای آغاز دورجدیدی از روابط رژیم صهیونیستی و کردهای عراق فراهم آورد. در این مرحله علیرغم تجربه تلخ کردها در ۱۹۷۵ با توجه به اعتقاد کردهای عراق مبنی بر اینکه برقراری روابط با اسرائیل، شرط اساسی کشاندن مواضع آمریکا به سود کردهاست، باعث گردید در این مقطع کردهای عراق روابط خود با اسرائیل را مورد توجه قرار دهند. گرچه این مسئله در زمینه

رابطه کردها با کشورهای منطقه، بویژه ایران و جهان عرب، یک مسئله خطیر به شمار می رود، لیکن در شرایط پس از جنگ دوم خلیج فارس، توجیه روابط با رژیم صهیونیستی این امر را تاکید می نماید که بخشی از راهبرد سیاسی کردهای عراق بر بهره برداری از موازنه های منطقه ای تکیه دارد.

با توجه به روند شکل گیری روابط میان کردهای عراق و رژیم صهیونیستی و نیز سیاست های رژیم صهیونیستی در طی سال های اخیر و روندشناسی تحولات منطقه گویای آن است که قاعده کلی حاکم بر استراتژی رژیم صهیونیستی در برابر کردستان عراق عبارت بوده اند از:

- پیشبرد و تامین منافع سیاسی و اقتصادی در شمال عراق؛
- سلب فرصت و محدودسازی حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق بویژه کردستان عراق؛
- حمایت از گروه های مسلح ضد انقلاب ایرانی در شمال عراق و مشغول سازی ایران در داخل و مجاورت مرزهایش؛
- توسعه فعالیت جاسوسی در شمال عراق و کشورهای همجوار؛
- تجزیه عراق و تشکیل دولت مستقل کردی. (رژیم صهیونیستی تنها کشوری است که از ایجاد دولت مستقل کرد حمایت می کند. اسرائیل معتقد است در صورت ایجاد کشوری مستقل برای کردها در شمال عراق، تعادل استراتژیکی بهتری به نفع اسرائیل در شمال خاورمیانه برقرار می گردد)؛
- تضعیف و مقابله با افزایش نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه (روحی، ۱۳۸۵، ص ۸۲).
- در مجموع حضور اسرائیل در شمال عراق به عنوان تهدیدی جدی در منطقه محسوب می گردد که می تواند برای اعمال فشار بر کشورهای منطقه بویژه جمهوری اسلامی ایران و کسب امتیاز سیاسی عمل نماید.

نوع رویکرد و روابط گروه های کردهای عراقی با جمهوری اسلامی ایران، از پیچیدگی برخوردار می باشد. از یک سو، رهبران کرد عراق در زمان حاکمیت بعثی ها از حمایت جمهوری اسلامی ایران بهره مند بوده اند و در نگاهی وسیع تر با توجه به احساس نزدیکی قومی - نژادی بیشتر نسبت به ایران در منطقه، در مقایسه با ترک ها و اعراب دارای رویکردی دوستانه و نگاهی هم گرایانه در قبال ایران هستند. در مجموع گروه های کرد عراق بعد

از امریکا، ایران را به‌عنوان دومین بازیگر خارجی عمده می‌دانند که می‌توانند از طریق همکاری با آن و کسب حمایت، در جهت افزایش قدرت و توان تأثیرگذاری و خودمختاری در عراق حرکت کنند. از آنجا که ایران از زمان فروپاشی رژیم بعث و آغاز روند جدید دولت - ملت‌سازی در عراق، اصلی‌ترین حامی منطقه‌ای این روند محسوب می‌شود و ضمن شناسایی دولت جدید در جهت ایجاد ثبات و امنیت در عراق بعد از صدام تلاش می‌کند، گروه‌های کرد تداوم حمایت ایران را عاملی مهم در جهت موفقیت این روند جدید می‌دانند و بر این اساس، حل و فصل اختلافات ایران و امریکا در عراق و همکاری و هم‌فکری آنها برای امنیت‌سازی در این کشور از نظر کردها اهمیتی حیاتی دارد.

رژیم صهیونیستی با توجه به دکترین پیرامونی مایل و قادر به دستیابی به ابزارهایی هست که به آن درمقابل قدرتهای رقیب ابتکار عمل می‌بخشد و این امکان را فراهم می‌آورد تا درمقابل تهدیدهای متصور درامان باشد. علیرغم برخی ناکامی‌ها، در مجموع قابلیت ناشی از اعمال این استراتژی، چنین امکانی را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده و می‌دهد تا این رژیم این استراتژی را در خصوص کردهای عراق به کار گرفته و موجبات گسترش نفوذ منطقه‌ای و دستیابی به ابزاری جهت اعمال فشار بر قبیان منطقه‌ای خود فراهم آورد.

استراتژی و سیاست رژیم صهیونیستی، در قبال موضوع کردهای عراق به شناخت این واقعیت رهنمون می‌شود که سیاست این رژیم به طور کلی معطوف به توسعه نفوذ و مقابله با بازیگران غیرهمسو است. عواملی مانند چالش با دولت‌های عربی و جمهوری اسلامی ایران و تحولات مناطق کردنشین، سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال کردها را رقم زده اند. تشکیل دولت اقلیم کردستان در شمال عراق و تبدیل احزاب کرد عراقی به عنوان بازیگران فراملی جدید و تاثیر آنها بر تقویت گرایشهای فوق در کردستان و گروههای اپوزیسیون کردایرانی هم در سطحی دیگر بر سیاستهای آنها در قبال کردستان عراق مؤثر بوده اند. بر این اساس مفاهیم و اصولی مانند حمایت به اصطلاح از اقلیت‌ها و دشمنی با کشورهای مسلمان منطقه از جمله عناصر معنایی بوده اند که به سیاست خارجی اسرائیل در قبال تحولات مناطق کردنشین و ارائه شاخص برای تفکیک دوست از دشمن و تشخیص و اولویت بندی تهدیدها و فرصت‌ها شکل داده اند. بر طبق این دکترین و فرهنگ استراتژیک، اسرائیل همواره به اقلیت‌های قومی - مذهبی بسان عاملی سرمایه‌ای در تقویت منافع استراتژیک خود در منطقه نگرسته است (روحی ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحلیل واقع‌گرایانه از استراتژی و سیاست خارجی امریکا ورژیم صهیونیستی، در قبال موضوع کردهای عراق به شناخت این واقعیت رهنمون می‌شود که سیاست این رژیم‌ها به طور کلی از جهت‌گیری نخبگان حاکم در دفاع از منافع ملی خود نشئت می‌گیرد و معطوف به توسعه نفوذ و مقابله با تهدیدات خارجی است. در آزمون فرضیه تحقیق باید گفت عواملی مانند چالش با دولت‌های عربی و جمهوری اسلامی ایران و تحولات مناطق کردنشین، سیاست خارجی امریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی در قبال کردها را رقم زده‌اند. تشکیل دولت اقلیم کردستان در شمال عراق و تبدیل احزاب کرد عراقی به عنوان بازیگران فراملی جدید و تاثیر آنها بر تقویت گرایش‌های فوق‌درکردستان و گروه‌های اپوزیسیون کرد ایرانی و ترکیه ای هم در سطحی دیگر بر سیاست‌های آنها در قبال کردستان عراق مؤثر بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که استراتژی و سیاست رژیم صهیونیستی در برابر کردهای عراق، مبتنی بر دریافت رهبران اسرائیل از تهدیدهای امنیتی و تحولات محیط امنیتی پیرامون رژیم صهیونیستی بوده است؛ بدین لحاظ سیاست خارجی اسرائیل در قبال تحول مناطق کردنشین خواستگاه واقع‌گرایانه دارد لذا می‌توان فرضیه تحقیق را تایید شده دانست. پرواضح است که دریافت از تهدیدها و فرصت‌ها و نوع نگرش به محیط امنیتی پیرامونی به عنوان مبنای سیاست‌گذاری و تنظیم روابط در برابر تحولات منطقه ای و بین‌المللی و بازیگران مؤثر بر آن، برخاسته از هویت و عناصر معنایی است که دکترین و فرهنگ استراتژیک رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس مفاهیم و اصولی مانند حمایت به اصطلاح از اقلیت‌ها و دشمنی با کشورهای مسلمان منطقه از جمله عناصر معنایی بوده‌اند که به سیاست خارجی اسرائیل در قبال تحولات مناطق کردنشین و ارائه شاخص برای تفکیک دوست از دشمن و تشخیص و اولویت بندی تهدیدها و فرصت‌ها شکل داده‌اند. بر طبق این دکترین و فرهنگ استراتژیک، اسرائیل همواره به اقلیت‌های قومی - مذهبی بسان عاملی سرمایه‌ای در تقویت منافع استراتژیک خود در منطقه نگریسته است.

یکی از انگیزه‌های تهیه این گزارش همراه با شناخت نسبی استراتژی کشورهای منطقه ای و فرمانطقه ای در قبال تحولات مناطق کردنشین عراق، ارائه پیشنهادهایی برای بهره‌برداری هر چه بیشتر از فرصت‌ها و مدیریت چالش‌های موجود در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران بود. لذا در این بخش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

۱- همگرایی کردها و شیعیان عراق - سناریو مطلوب جمهوری اسلامی ایران آن است که کردها و شیعیان به قدرت برسند ، همانطور که در حال حاضر نیز جایگاههای ریاست جمهوری و نخست وزیری را به خود اختصاص داده اند . ائتلاف میان کردها و شیعیان به عنوان یک اقدام استراتژیک می تواند ناسیونالیسم عربی شیعیان را به نفع همگرایی با کردها تعدیل و توجه کردها را به خارج از مرزها یعنی اسرائیل ، امریکا و دیگر قدرت های منطقه ای کم رنگ کند. همگرایی کردها و شیعیان اشکال مثبت ذیل را برای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد:

- از منظر فرهنگی ، مذهبی و نژادی ، کردها و شیعیان را عمیقا به ایران ربط می دهد.

- عنصر عرب ملی گرا را در داخل عراق محدود می کند .

- باعث فاصله گرفتن عراق از سیاستهای جهان عرب با صبغه ضد ایرانی می گردد.

- حمایت از عنصر کردی در این همگرایی باعث تعدیل رفتار سیاسی ترکیه نسبت به ایران می شود.

۲- شناسایی دقیق جریان ها و افراد تاثیر گذار در آینده عراق - شناسایی دقیق جریان های و شخصیت ها و افراد تاثیر گذار در آینده عراق بسیار با اهمیت است اعم از افراد تاثیر گذار در دولت مرکزی یا دولت اقلیم کردستان و یا اعضای شوراهای استانی که نقش عمده ای در انتخابات استانداران، فرمانداران، روسای پلیس و... خواهند داشت.

۳- دیپلماسی تعامل گرا با کشورهای منطقه

- با توجه به ظرفیت های موجود در عرصه دیپلماسی، لازم است با هدفگذاری مناسب راهکارهای اجرایی تحقق آنها از طریق دیپلماسی مشخص گردد. به عنوان نمونه مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان یافته از اشتراکات مهم ما با کشورهای منطقه است که می تواند دقیقاً برنامه ریزی و همسو شود.

منابع فارسی

- آبا، امان، قوم من، ترجمه نعمت الله شکیب اصفهانی، تهران: چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۱.
- احمدی، حمید؛ قومیت و قوم گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸).
- احمدی، حمید؛ «قومیت و قوم گرایی در ایران؛ افسانه یا واقعیت». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال یازدهم، شماره هفتم و هشتم، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶).
- اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه، کردستان عراق: هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل، فصلنامه راهبرد، سال ۲۰، شماره ۶۰، پائیز ۱۳۹۰،
- برنا بلداجی، سیروس، روابط جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین، مجلس و پژوهش. سال ۱۲. شماره ۴۹ و ۵۰.
- بیل، جیمز، عقاب و شیر، مهوش غلامی (تهران: نشر کوکب، ۱۳۷۱)
- پاشا قاسمی، علی، اسراییل در کردستان عراق فصلنامه جهان اسلام شماره ۳۳- بهار و تابستان ۸۷ - پیشگاهی فرد، زهرا و نصرالهی، بهرام، آثار تشکیل حکومت ناحیه ای کردستان عراق بر نواحی کردنشین ایران، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محلی، سال ۲۳، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۱.
- تقی پور، تقی، استراتژی پیرامونی اسرائیل (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۳)
- حاجی یوسفی، امیر محمد، ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه (تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۲).
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و سلطانزاد، احمد، سامان سیاسی در عراق جدید، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶.
- حافظ نیا، محمد رضا، تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، ۱۳۸۵.
- حق پناه، جعفر، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۷)
- حق پناه، جعفر (۱۳۸۶)، «تأثیرپذیری اقوام ایرانی از حضور امریکا در منطقه»، تهران، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی، حسن (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه بزرگتر (قاعده و القاعده) در راهبرد امنیت ملی امریکا، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- خسروی، غلامرضا، چشم انداز عراق آینده: بررسی روندهای داخلی و خارجی، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰)

- خسروی ، علیرضا ، زمینه های حضور اسرائیل در عراق : استراتژی گسترش و نفوذ ، فصلنامه راهبرد ، سال ۱۶ ، شماره ۴۸ ، تابستان ۱۳۸۷ .

- دوهارست، مارک (۱۳۸۷)، «آینده کردستان به کجا می رود؟»، ترجمه حسین آقاپور، فصلنامه دانشجویان کرد دانشگاه تهران (روژه ف)، سال دوم، شماره ۸، ۹ و ۱۰ .

- رفعت ، آرام ، روابط ایالات متحده و کردستان پس از تهاجم به عراق ، مهدی کاظمی (سایت باشگاه اندیشه ، ۱۳۸۶)

- روحی، نبی الله، سیاست خاورمیانه ای اسرائیل و کردستان عراق. فصلنامه سیاست دفاعی، پائیز و زمستان ۱۳۸۵، ۶۹-۸۶ .

- روحی ، نبی الله ، سیاست خاورمیانه ای آمریکا و کردستان عراق ، فصلنامه مطالعات منطقه ای جهان اسلام ، سال ۹ ، شماره ۳۳ و ۳۴ ، بهار و تابستان ۱۳۸۷ .

- زونیس ، استیفن ، ایالات متحده و کردها ، ترجمه مهدی کاظمی ، به نقل از فصلنامه MERI ۱۳۸۶ .

- زیبا کلام، صادق و عبدالله پور ، محمد رضا ، بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگزاری امنیتی ایران در قبال عراق ، فصلنامه سیاست . دوره ۳۹ . شماره ۱۴ . زمستان ۱۳۸۸

- سلیمانی ، علیرضا ، عملیات نظامی امریکا علیه صدام ، سیاست دفاعی ، شماره ۳۸ و ۳۸ ، بهار و تابستان ۱۳۸۱ .

- سنیه ، افرایم . اسرائیل پس از ۲۰۰۰ ، ترجمه عبدالکریم جادری ، تهران دافوس ، ۱۳۸۱ ، شالیان، ژرار؛ کردها، ابراهیم یونسی، (تهران: روزبهان، ۱۳۷۲).

- شلومندکدیمون، موساد در عراق، ترجمه اصغر فائدان و نبی الله روحی، تهران، اندیشه سازان نور، ۱۳۸۵

- شیفر، شیمون، توپ برفی، ترجمه محمود شمس، تهران ۱۳۶۸ .

- شیخ عطار ، علیرضا ، کردها و قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای ، (تهران : مرکز تحقیقات استراتژیک ، ۱۳۸۲)

- عنایت، حمید؛ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، بهاء الدین خرمشاهی، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۵).

- فاوست، لوئیس؛ ایران و جنگ سرد، کاوه بیات، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳).

- قانع‌ی فرد ، عرفان ، تند باد حوادث : بررسی رخدادهای تاریخ معاصر (تهران: نشر علم ، ۱۳۹۰)

- قربانی شیخ نشین ، ارسلان و قدیمی ، اکرم ، بررسی راهبردی سیاست خارجی امریکا در کردستان

- عراق و امنیت ملی ایران ، فصلنامه راهبرد ، سال ۲۱ ، شماره ۶۲ ، بهار ۱۳۹۱ .
- کاتز، ساموئل، جاسوسان خط آتش، ترجمه محسن اشرفی، تهران، نشر اطلاعات، ۱۳۷۵
- کالینز دان، مایکل، «مسئله کردها کالبد شناسی یک بحران»، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، شماره ۹۹.
- کاویانی ، مراد ، تحلیل ژئوپلیتیکی تحولات کردستان عراق ، فصلنامه راهبرد دفاعی ، شماره ۲۰ ، ۱۳۸۷ .
- کریمیان ، کامیل ، بررسی تعاملات و نگرش کردها به بازیگران داخلی و خارجی ، تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی ، (۱۳۸۳)
- کیسین ، کارل و دیگران ، جنگ آمریکا و عراق ، تهران : ابرار معاصر ، ۱۳۸۱
- محبوبی ، قربانعلی و کاظمی ، سید محمد موسی، بررسی و ریشه یابی موضوع فرامنطقه ای شدن مسئله کردها ، فصلنامه آفاق امنیت ، شماره ۳ و ۲ ، ۱۳۸۶ .
- محمدی ، هادی ، بررسی حضور و فرصت های اسرائیل در عراق ، ، فصلنامه روز (۱۳) پاییز ۱۳۸۳
- محمدی، حمیدرضا و دیگران، خودگردانی شمال عراق و تاثیرات آن بر حرکت های قوم گرایانه پیرامونی ، فصلنامه ژئوپلیتیک ، سال ۶ ، شماره ۱ ، بهار ، ۱۳۸۹ .
- منوچهری، اکبر؛ جمهوری اسلامی ایران و کردها،(تهران: بی نا، بی تا).
- میلر، جودیت، میل ورا، لوری؛ از تکریت تا کویت، حسین تقی زاده میلانی،(تهران: کویر، ۱۳۷۰)..
- مقصودی، مجتبی؛ تحولات قومی در ایران: علل و زمینه ها،(تهران: مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۰).
- مقصودی ، مجتبی ، نقش گروههای قومی در شکل دهی به نظام سیاسی عراق با تاکید بر نقش کردها ، (تهران : دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه ، ۱۳۸۴)
- ملا عمر عیسی ، صالح ، بحران آفرینی ابر قدرت ها در کردستان عراق (تهران : توکلی ، ۱۳۸۰)
- موسسه الارض، استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی بی جا. انتشارات بین المللی اسلامی، ۱۳۶۳
- یلدیز ، کریم ، کردها در عراق ، سیروس فیضی (تهران : توکلی ، ۱۳۹۱)
- یحیی ، هارون ، کردها : برگ امتیاز اسرائیل ، تهران : دانشکده امام باقر ، ۱۳۸۵ .